

امامت و ولایت



محمد تقی صرفی پور



امامت و ولایت

وظیفه ما نسبت به امامت سه چیز است:

1- معرفت 2- محبت 3- اطاعت

معرفت:

اینکه بدانیم امامان از هر عیب و گناهی پاک
هستند و این را قرآن در ایه تطهیر اعلام کرده
است:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا.

"همانا خداوند فقط و فقط می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور
سازد و شما را قطعاً پاکیزه سازد".

"سوره‌ی احزاب قسمتی از آیه‌ی 33 (معروف به آیه‌ی تطهیر)

توضیح:

در آیه تطهیر خداوند متعال، اراده‌ی خویش را در خصوص طهارت و پاکیزگی تنها شامل اهل بیت می‌نماید و با 3 بار تاکید، معلوم می‌سازد که هرگونه رجس و پلیدی را فقط از اهل بیت دور گردانیده و آنان را پاک و مطهر نموده است.

امامان شیعه همواره به این آیه مباهات کرده و

آن را دلیل حقانیت خود می‌دانستند. امام

امیرالمومنین(ع) در روز شورا با توجه به این آیه

فرمود: «شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا در میان

شما کسی هست که آیه تطهیر درباره او نازل

شده باشد؟؛ آن هنگام که پیامبر خدا صلی الله

علیه و آله و سلم من و فاطمه و حسن و حسین را

زیر عبای خبیری گردآورد و گفت: خدایا! این ها

اهل بیت من هستند، پس رجس و پلیدی را از

ایشان دور کن و پاک و مطهرشان گردان. اعضای
شورا همگی جواب دادند: نه! [نور الثقلین، عروسی
حویزی، شیخ عبد العلی، ج 4، ص 91].....

امام حسن (علیه السلام) هم پس از پذیرش صلح،
در سخنرانی خود در حضور معاویه ضمن
برشماری فضایل و کمالات خاندان خود، به این
حادثه تاریخی اشاره کرده است» [امالی شیخ
طوسی، ص 565]

اگر امام معصوم را شناسیم راه انحرافی رفته ایم:
امام جعفر صادق علیه السلام به زُرارَه فرمودند:
اگر زمان غیبت را درک کردی، این دعا را همیشه
داشته باش: خدایا، خودت را به من بشناسان،
چون اگر خودت را به من شناسانی، پیامبرت را
نخواهم شناخت، خدایا رسول خود را به من

معرفی کن چون اگر رسول تو را نشناسم، حجت تو را نخواهم شناخت، خدایا حجت خود را به من اگر حجت تو را نشناسم از دین معرفی کن زیرا خود گمراه شده ام.

:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ، حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي¹.

هر که بدون امام بمیرد بر جاهلیت مرده است:

در منابع اسلامی روایاتی با عبارت «من مات» نقل شده است. اما مقصود از تعبیر (حدیث «من مات») کلام معروف پیامبر اکرم است: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ هر فردی که بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناسد، به

¹ بحار الأنوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۴۶"

مرگ جاهلی مرده است».[شیخ صدوق، کمال

الدین، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۱۰]

اگر امام نباشد بشریت هم نخواهد بود!

امام صادق (ع) می فرمایند: «لولا الحجه لساخت

الارض باهلها» «اگر حجت خدا نبود، مسلماً زمین،

ساکنانش را فرو می برد».

امام باقر(ع): اگر امام یک ساعت از زمین برداشته

شود زمین اهلش را فرو می برد و اهل خود را

همچون دریای خروشان به جوش و خروش در

می آورد.^۲

محمد بن یعقوب به سند خود از وشاء نقل کرده

که گفت: از امام رضا(ع) پرسیدم: آیا زمین بی

^۲ غیبت نعمانی، بخش روایات درباره لزوم حجه، ص ۱۵۶

امام می ماند؟ فرمود: نه، عرض کردم: به ما
روایت رسیده است که آن بدون امام نمی ماند
مگر آنکه خدای عز و جل بر بند گانش خشم
کند؟ فرمود: نمی ماند و هنگامیکه بی امام باشد
فرو می رود.^۳

باید بدانیم که روزی بندگان به برکت وجود امام
است و ثبوت اسمان زمین به برکت امام علیه
السلام است

**..بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و
السما.**

...اگر امام رضا را با معرفت زیارت کنی ثواب یک
میلیون حج و عمره می دهند...
امام شخصیتی است که ملائکه تسلیم او هستند...

داستان روضه خوانی که از شب اول قبر می ترسید..

نقل می کنند: محضر آقا سید حمزه موسوی بودیم
تعریف کردند: که یکی از بزرگان از شب اول قبر
خیلی می ترسیدند یه شب در عالم خواب رسید
به محضر ابی عبدالله و گفت: آقای یه عمره برات
روضه می خوانم، برات روضه گرفتم، ولی از شب
اول قبر می ترسم، امام حسین (علیه السلام)
فرمود: از کجای آن می ترسی؟ گفت از آن

موقعی که دو تا ملک می آیند و سؤال و جواب می کنند و زبانم بند می آید، فرمودند: کدام ملک جرأت دارد که از نوکر من سؤال کند، سؤال و جواب آنها با ماست

منبع: کتاب گلوآژه های روضه

..داستان صحابه بلخی امام سجاد...

ماجرایی شگفت

مردی مؤمن از بزرگان بلخ به مکه می رفت و در اکثر سالها به مکه و مدینه مشرف می شد . سالی به خدمت امام سجاد علیه السلام آمد و حضرت را زیارت نمود و به حضرت هدایائی داده و سؤالات

دینی خود را از امام علیه السلام نمود و به بلخ برگشت . وقتی مراجعت کرد ، همسرش وقایع سفر را پرسید و هنگامی که شوهرش گفت من هدایای زیادی برای امام سجاد علیه السلام بردم . زن پرسید که امام علیه السلام در مقابل به تو چه چیزی داد ؟ شوهرش گفت : امام علیه السلام ، که ما برای او هدایایی بردیم ، پادشاه دنیا و آخرت است و اختیاردار همه آن چیزی است که در دست مردم می باشد . زیرا او جانشین خدا در زمین و حجت خدا بر بندگان و فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله و امام می باشد . زن وقتی اینها را شنید چیزی نگفت . سال بعد مرد بلخی به مکه رفت و سپس به منزل امام علیه السلام وارد شد و سلام کرد و دست امام علیه السلام را بوسید . در این حال در مقابل امام علیه السلام غذا بود . امام علیه السلام او را نزدیک خود نشاند و فرمود که از

غذا بخورد و بعد از غذا امام علیه السلام دستور داد که آفتابه و لگن آوردند و آن مرد بلند شد و آفتابه را گرفت و بر دست امام علیه السلام آب می ریخت . امام علیه السلام فرمود : ای مرد ! تو مهمان ما هستی سزاوار نیست که تو بر دست من آب بریزی . گفت : من این کار را دوست دارم . امام علیه السلام فرمود : حال که تو دوست داری ، به خدا سوگند چیزی به تو نشان دهم که آرزومند هستی و چشم‌ت به آن روشن می شود . بعد مرد آب بر دست امام علیه السلام ریخت ، تا اینکه یک سوم طشت پر شد . امام علیه السلام فرمود : در طشت چیست ؟ گفت : « آب » امام علیه السلام فرمود : بلکه یاقوت قرمز است . مرد بلخی نگاه کرد و دید بله یاقوت قرمز است . امام علیه السلام فرمود : آب بریز و او هم آب ریخت تا اینکه دو سوم طشت پر شد و امام علیه السلام فرمود : در

طشت چیست ؟ گفت : « آب » امام علیه السلام
فرمود : بلکه زمرد سبز است . مرد نگاه کرد و
دید آب تبدیل به زمرد سبز شده است . امام
علیه السلام فرمود : آب بریز وقتی که طشت پر
شد ، امام علیه السلام فرمود : در طشت چه می بینی
؟ گفت : « آب » امام علیه السلام فرمود : بلکه
جواهر سفید است وقتی که آن مرد نگاه کرد ،
دید همان طور است که امام علیه السلام فرمود و
طشت از سه جواهر در و یاقوت و زمرد پر شده
است . خیلی تعجب کرد و از حیرت دستش را بر
پشت دست دیگر می زد . امام علیه السلام فرمود :
ای مرد ما چیزی نداشتیم که در مقابل هدیه هایت
به تو بدهیم ، حال این جواهرات را عوض از آنها
بگیر ، تا نزد همسرت معذور باشی ، زیرا او از
دست ما عصبانی شده بود . مرد سرش را بلند
کرد و گفت : ای سرورم چه کسی شما را بر سخن

همسرم آگاه کرد ؟ شک ندارم که شما از
اهل بیت پیامبر علیهم السلام هستید . سپس با امام
علیه السلام خداحافظی کرد و جواهرات را
برداشت و نزد همسرش برگشت و داستان
جواهرات را برای او گفت . زن به سجده شکر
رفت و شوهرش را قسم داد که سفر بعد او را با
خودش ببرد . سال بعد مرد بلخی با همسرش
عازم حجاز شد و قبل از رسیدن به مدینه زن
مریض شد و مرد . شوهرش گریان نزد امام
علیه السلام آمده و خبر مردن همسرش را به او
داد . امام علیه السلام بعد از شنیدن این خبر بلند
شد و دو رکعت نماز خواند و چند دعا کرد .
سپس به مرد گفت : به سوی زوجات برگرد که
خداوند با قدرت و حکمتش او را زنده نموده است
، که خداوند است که استخوان مردگان را در
حالی که پوسیده و خاکستر شده زنده می نماید .

مرد بلخی با شنیدن این مطلب با شتاب برگشت و
وارد خیمه‌اش شد و دید که همسرش با کمال
سلامت نشسته است . مرد گفت : چگونه خدا تو
را زنده کرد ؟ گفت : به خدا سوگند عزرائیل
نزد آمد و مرا قبض روح کرد و خواست که
روحم را بالا ببرد ، که ناگاه مردی با این اوصاف
آمد ، که وقتی اوصاف آن مرد را گفت شوهرش
گفت راست می‌گویی این اوصاف امام سجاد
علیه‌السلام است . وقتی چشم ملک الموت به آن
مرد افتاد بر دو قدمش افتاد و گفت : « السلام
علیک یا حجة الله فی ارضه السلام علیک یا زین
العابدین » و امام علیه‌السلام هم جواب سلام او را
داد و فرمود : ای ملک الموت ! روح این زن را
برگردان که این زن قصد کرده بود که به سوی
من بیاید و من از خدا خواسته‌ام که خداوند سی
سال دیگر او را باقی گذارد و به خاطر اینکه به

دیدار ما آمده است ، خداوند به او زندگانی پاکی
عنایت کند . ملک الموت گفت : سمعاً و طاعتاً ای
ولیّ خدا . سپس روح مرا به جسمم برگردانید و
من نگاه به ملک الموت می کردم که دست امام
علیه السلام را بوسید و رفت . مرد بلخی دست
زنش را گرفت و در حالی که اصحاب امام
علیه السلام دور حضرت جمع بودند ، او را خدمت
آقا آورد . زن وقتی خدمت امام علیه السلام رسید
بر دو زانوی امام علیه السلام افتاد و در حالی که
آنها را می بوسید گفت : به خدا سوگند این همان
سرور و مولای من است و این همان شخصی است
که خداوند به برکت دعای او مرا زنده کرد .
سپس زن و مرد در خدمت امام علیه السلام
ماندگار شدند تا اینکه از دنیا رفتند .^۴

^۴ بحار الأنوار : ج ۴۶ ، ص ۶۸

امام علیه السلام علاوه بر مسئولیت رهبری
مسلمین جهان، وجود امام علیه السلام برکات
دیگری برای بشریت دارد. از جمله

1- قبول شدن اعمال هرانسانی بوسیله امامان
علیهم السلام است. هر شب جمعه پرونده اعمال
انسانها را محضر امام علیه السلام می برند و اگر
امام علیه السلام امضا و تایید کند، خداوند سبحان
قبول می فرماید.

نمازهایی که می خوانیم. صدقاتی که می دهیم. حج
و جهاد و صله و ارحام و تلاوت قرآن و همه اینها تا
مورد تایید حجت خداوند در روی زمین
نباشد، پذیرفته نمی شود. لذا مسلمانانی که دشمن

ولایتند هرچه عبادت کنند برایشان فایده ای ندارد. زیرا امضاء ولایت پای اعمالشان نیست.

2- محافظت از شیعیان به عهده امام علیه السلام است. با توجه به اینکه از ابتدای بوجود آمدن شیعه، همیشه دشمنان شیعه بدنبال نابود کردن آن بودند، امامان علیهم السلام از شیعیان محافظت می کردند و توطئه های دشمنان را خنثی می نمودند. چه امامانی که ظاهر بودند و چه امام زمان علیه السلام که غایب است. لذا خود امام عصر علیه السلام فرموده اند: **إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَ لَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ، وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاهُ، وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ. فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ ظَاهِرُونَا:** ((غیبه الطوسی، ص 292))

(ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، که اگر جز این بود

گرفتاری‌ها به شما روی می‌آورد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کردند. از خدا بترسید و ما را پشتیبانی کنید.)

3- کمک به گرفتاران و مشکل داران و متوسلین به ائمه علیهم السلام. وقتی شیعه ای دچار مشکل می شود مثلا بیماری های صعب العلاج یا مشکلات مالی و یا گرفتاری های دیگر و به امام علیه السلام متوسل می گردد اگر حکمت اهلی بر رفع آن گرفتاری بوسیله شفاعت امام علیه السلام باشد، امام علیه السلام عنایت و توجه به آن فرد می کند لذا تاریخ ائمه علیه السلام پر از کرامات و معجزاتی است که شیعیان آنها را دیده اند و بر اعتقادشان افزوده شده است.

4- نزول برکات الهی همچون باران به یمن و برکت وجود امام علیه السلام است. و اگر امام

علیه السلام نباشد، بشریت اجازه ادامه حیات پیدا نخواهد کرد. لذا امام علیه السلام بر گردن همه بشریت حق دارد. حق حیات دارد و بشریت باید امامان علیهم السلام را بشناسند و از آنها پیروی نمایند.

5- پاک شدن گناهان نیز به برکت اعتقاد به امامت است. بوسیله عرض ارادت به ساحت مقدس ائمه علیهم السلام، خداوند گناهان شیعیان و محبان اهل بیت ع را می آمرزد.

6- مضاعف شدن حسنات نیز بوسیله محبت اهل بیت است. در روایتی است که خداوند هر عمل خوب شیعیان را هفتصد برابر حساب می نماید.

7- نجات از ترسهای عالم بعد از مرگ نیز از برکات اعتقاد به امامان علیهم السلام است. در

هنگام وفات شیعیان و در شب اول قبر و در عالم
برزخ و در قیامت در همه صحنه های هولناک
و ترسناک، ائمه علیهم السلام به داد شیعیانشان می
رسند و دست آنها را می گیرند.

مقدس اردبیلی و رفتن به کربلا..

مقدس اردبیلی وقتی کربلا می رفت تا زمانی که
در کربلا که بود ادرار و مدفوع خود را در ظرفی
می ریخت و می رفت چهار فرسخی کربلا آن جا
چاله ای می کند و داخل چاله می گذاشت زیرا
معتقد بود چهار فرسخ در چهار فرسخ کربلا
، تربت حسینی است. و نباید در خاک کربلا
نجاست کرد.

«وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ، وَلَا يَدْخُلُ
النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ» (کنزالفوائد،
کراجکی، محمد بن علی (م. ۴۴۹ق.)، قم، مکتبه
المصطفوی، ۱۳۶۹ش...)؛...داخل بهشت نمی شود
مگر کسی که امامان را بشناسد و انها هم او را
بشناسند...و داخل جهنم نمی شود مگر کسی که
امامان را نشناسد و انکار کند و انها هم او را انکار
کنند.....

داستان مردی که به زیارت امام حسین علیه

السلام نمی رفت

شخصی از بزرگان هند به قصد مجاورت کربلای
معلى به این شهر آمد و مدت شش ماه در آنجا
ساکن شد و در این مدت داخل حرم مطهر نشده
بود و هر ۴ وقت زیارت حضرت امام حسین علیه

السلام را اراده می کرد، بر بام منزل خود رفته، به آن حضرت سلام می کرد و او را زیارت می نمود؛ تا این که سرگذشت او را به «سید مرتضی» که از بزرگان آن عصر و مرسوم به «نقیب الاشراف» بود رساندند.

سید مرتضی به منزل او رفت و در این خصوص او را سرزنش نمود و گفت: «از آداب زیارت در مذهب اهل بیت علیه السلام این است که داخل حرم شوی و عقبه و ضریح را ببوسی. این روشی را که تو داری، برای کسانی است که در شهرهای دور می باشند و دستشان به حرم مطهر نمی رسد.» آن مرد چون این سخن را شنید گفت: «ای نقیب الاشراف» از مال دنیا هر چه بخواهی از من بگیر و مرا از رفتن معذور دار.

هنگامی که سید مرتضی سخن او را شنید بسیار ناراحت شد و گفت: «من که برای مال دنیا این سخن را نگفتم؛ بلکه این روش را بدعت و زشت می‌دانم و نهی از منکر واجب است.»

وقتی آن مرد این سخن را شنید، آه سردی از جگر پر دردش کشید. سپس از جا برخاست و غسل زیارت کرد و بهترین لباسش را پوشید و پا برهنه و با وقار از خانه خارج شد و با خشوع و خضوع تمام، نالان و گریان متوجه حرم حسینی گردید تا این که به در صحن مطهر رسید .

نخست سجده شکر کرد و عتبه صحن شریف را بوسید. سپس برخاست و لرزان، مانند جوجه گنجشکی که آن را در هوای سرد در آب انداخته باشند، بر خود می‌لرزید و با رنگ و روی زرد،

همانند کسی که یک سوم روحش خارج گشته
باشد، حرکت می‌کرد تا این که وارد کفش کن
شد. دوباره سجده شکر به جا آورد و زمین را
بوسید و برخاست و مانند کسی که در حال
احتضار باشد داخل ایوان مقدس گردید و با
سختی تمام خود را به در رواق رسانید.

چون چشمش به قبر مطهر افتاد، نفسی اندوهناک
بر آورد و مانند زن بچه مرده، ناله جانسوزی
کشید. سپس به آوازی دلگداز گفت: «أَهَذَا مَصْرَعِ
سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ؟ أَهَذَا مَقْتَلُ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ؟ ؛ آیا اینجا
جای افتادن امام حسین علیه السلام است؟ آیا
اینجا جای کشته شدن حضرت سیدالشهداء
است؟»

پس فریاد کشید و نقش زمین شد و جان به جان
آفرین تسلیم نمود و به شهیدان راه حق پیوست..

معرفت خدا چیست؟

از حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) سؤال شد:

فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؛

پس چیست معرفت خدا؟.

حضرت فرمود:

«مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ

طَاعَتُهُ» (لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، احمد

بن علی (م. ۸۵۲ق.)، بیروت، مؤسسه الاعلمی،

۱۳۹۰ق.)؛..

خدا فرموده ما عمه علوم را در امام قرار دادیم:

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَ

[كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ] 12

به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از

پیش فرستاده‌اند و آنچه را از خود باقی

گذاشته‌اند؛ و همه چیز را در کتاب روشنگری

احصا کرده‌ایم...

صالح بن سهل گوید: از امام

صادق اشنیدم که آیه: وَكُلَّ

شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ را

قرائت کرد و فرمود: «این آیه

در مورد حضرت علی انازل «شده است»^۵

تعبیرات قرآن کریم از امامت بشرح زیر است:

با امامت دین اسلام کامل شد

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ»^(۲)

امروز! دین شما را کامل و نعمت را بر شما تمام
نموده و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم.

علوم همه پیامبران در امام جمع است «وَكُلَّ شَيْءٍ
أَخْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ» (یس)

^۵ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۵۸

امامت راه مستقیم است «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

پیامبر فرمود: ای علی! تو صراط مستقیم هستی!

امامت هادی امت است. «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»

امامت اهل ایثار و بخشش به امت «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ
أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ
عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

1. سوره بقره، آیه 124.

2. سوره مائده، آیه 3.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ». (1)

آنانکه اموال خود را در روز و شب، آشکار و پنهان
انفاق می‌کنند، در پیشگاه خدا مأجور بوده و غم و
اندوهی بر آنان نیست .

ابن عباس گفته است: آیه فوق درباره علی
علیه‌السلام نازل شد . آن زمانی که آن حضرت
چهار درهم داشت . یک درهم را در روز و یکی را
در شب و یک درهم آشکارا و درهم چهارم را در
پنهانی صدقه داد .

عهد امامت، عهد الهی است . «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ
بِعَهْدِكُمْ»⁽²⁾

به عهد من وفا کنید تا به عهد شما وفا نمایم .

مفسرین گفته‌اند یعنی: به ولایت علی علیه‌السلام
وفا کنید تا منهم بهشت رفتن شما را وفا کنم.

امام پدر امت است: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»⁽³⁾

به پدر و مادر نیکی کنید .

پیامبر فرمود: برترین والدین و سزاوارترین
والدین، محمد صلی الله علیه وآله وسلم و علی
علیه السلام هستند .

امامت دستگیره الهی است : «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ
جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»⁽⁴⁾

به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید .

در تفسیر نورالثقلین آمده که مراد از ریسمان
الهی، علی علیه السلام است.

امامت نور الهی است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ
بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا»⁽⁵⁾

ای مردم! برهان الهی نزد شما آمد و ما بسوی
شما نور آشکاری را نازل کردیم.

آمده که مراد از برهان، پیامبر اسلام و مراد از نور،
علی⁷ است.

امامان راستگویان امت هستند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»⁽⁶⁾

ای مؤمنین! تقوا داشته و با صادقین باشید.

در تفاسیر از ابن عباس نقل شده که مراد از
صادقین، علی علیه السلام است.

1. سوره بقره، آیه 74.

2. سوره بقره، آیه 40.

3. سوره نساء، آیه 36.

4. سوره آل عمران، آیه 102.

5. سوره نساء، آیه 174.

6. سوره توبه، آیه 119.

امامت بالاترین درجه حضرت ابراهیم بود: «وَإِذِ
ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي
جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ
عَهْدِي الظَّالِمِينَ»⁽¹⁾

امام مفسر قرآن کریم است: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا
اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»⁽²⁾

امام پاک از آلودگیها است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ
عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»⁽³⁾

همانا خدا اراده کرده است که هر پلیدی را از شما
اهل بیت ببرد و شما را پاک کند.

امام و شیعیان بهترین مخلوقاتند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ».

امامت مزد نبوت است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا
إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» .

بگو من از شما پاداشی نمی‌خواهم جز محبت به
اهل بیتم .

امامت کلمات الهی است: «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ
كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» .

آدم علیه السلام از خدا کلماتی را فرا گرفت . و با
آنها توبه کرد و توبه‌اش پذیرفته شد .

امام سرپرست مردم است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ
وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ
وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ».

همانا ولیّ شما در مرتبه اول خداست و بعد
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و سوم آن کسی
است که اقامه نماز می کند و در حال رکوع زکات
می دهد.

امامان انفاق کننده به امت: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى
حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا - إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ
اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» .

آنان در راه دوستی خدا به فقیر و یتیم و اسیر غذا
می دهند و می گویند ما فقط برای رضای خدا به
شما غذا می دهیم و از شما انتظار پاداشی نداریم .

امامت امانت بسیار سنگین در نزد امت است: «إِنَّا
عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ
فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ
كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»

امانت (عهد و تکلیف الهی) را بر آسمانها و زمین
و کوهها عرضه نمودیم، اما آنها امتناع کردند

1. سوره بقره، آیه 124.

2. سوره آل عمران، آیه 7.

3. سوره احزاب، آیه 33.

و ترسیدند ولی انسان قبول کرد و او بسیار ظالم و
جاهل است. (چون اگر به این عهد عمل نکند و

قدر این مقام عظیم را نداند، بخود ستم کرده و
جهنمی می‌شود.

امام اولی الامر و صاحب اختیار مسلمین است
همانگونه که در قرآن ذکر شده است: «أَطِيعُوا
اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

درباره آیه فوق جابر از پیامبر صلی الله علیه و آله
سؤال کرد که اولی الامر که ما باید از آنها اطاعت
کنیم کیانند؟ و حضرت فرمود: جانشینان من که
اول آنها علی علیه السلام و بعد حسن علیه السلام و
حسین علیه السلام سپس علی بن الحسین آنگاه
محمد باقر که تو او را می بینی پس سلام مرا
برسان! سپس جعفر صادق و بعد از او موسی
کاظم و بعد از او علی الرضا و بعد از او محمد
جواد و بعد از او علی هادی و بعد از او حسن

عسگری و بعد از او قائم منتظر مهدی علیه السلام
هستند که بعد از من امام و پیشوا خواهند بود .⁽¹⁾

اگر پیرسند چرا در قرآن کریم اسامی
دوازده امام شیعیان نیامده است؟ جواب می دهیم
که اسامی این بزرگواران در قرآن کریم در
جاهای مختلف ذکر شده است منتهی باید کمی
دقت کرد. از جمله در سوره نور.

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا
مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ
دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا
غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارُ نُورٍ
عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ
الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ⁽²⁾»

جابر می گوید در مسجد کوفه دیدم علی علیه
السلام با سنگ چیزی بر زمین می نویسد و تبسم
می کند. علت را پرسیدم. فرمود تعجب می کنم از
کسانی که این آیه را می خوانند معنای آن را
نمی دانم. پرسیدم کدام آیه؟ حضرت آیه فوق را
تلاوت کردند و توضیح دادند که:

مشکات، پیامبر است. مصباح منم. دوتا زجاجة
،حسین هستند. کوکب دری، امام سجاد
است. شجره مبارکه، امام باقر است. زیتونه، امام
صادق است. لاشرقیه، امام کاظم است. لاغربیه، امام
رضا است. زیتها یضیی، امام جواد است. لم تمسسه
نار، امام هادی است. نور علی نور، امام عسگری
است. یهدی الله لنوره من یشاء، امام زمان مهدی
آل محمد است.⁽³⁾

1. اثبات الهدی، ج 3، ص 123.

2. نور

3. تفسیر جامع ذیل آیه 35

زیارت جامعه کبیره

زیارت جامعه کبیره که توسط امام هادی علیه

السلام به بشریت هدیه داده شده در معرفی

امامان علیهم السلام

نقش مهمی دارد.

امام زمان علیه السلام در تشریف سید موسوی
رشتی به او می فرماید چرا جامعه نمی خوانید؟

امام خمینی در نجف که بودند هر شب به حرم
مشرف میشدند و این زیارت را حدود یکساعت
می خواندند.

فرازهایی از این زیارت مهم را می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ وَ
مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ
خُزَّانِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْحِلْمِ وَ أَصُولِ الْكَرَمِ وَ قَادَةَ
الْأَمَمِ وَ أَوْلِيَاءِ النِّعَمِ وَ عَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمِ
الْأَخْيَارِ وَ سَاسَةِ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانِ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابِ
الْإِيمَانِ وَ أُمَمَاءِ الرَّحْمَنِ وَ سُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَ صَفْوَةَ
الْمُرْسَلِينَ وَ عِثْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ
وَ بَرَكَاتُهُ

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، و جایگاه رسالت،
و عرصه رفت و آمد فرشتگان، و مرکز فرود آمدن
وحی، و معدن رحمت، و خزانه داران بهشت، و
نهایت بردباری، و ریشه های کرم، و رهبران
امتها، و سرپرستان نعمتها، و بنیادهای نیکان، و
استوانه های خوبان، و رهبران سیاسی بندگان، و
پایه های کشورها، و درهای ایمان، و امینان خدای
رحمان، و چکیده پیامبران، و برگزیده رسولان، و
عترت بهترین گزیده پروردگار جهانیان، و
رحمت و برکات خدا بر آنان باد

السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ اللَّهُ وَ
مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَ حَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ وَ حَمَلَةِ كِتَابِ
اللَّهِ وَ أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

سلام بر جایگاههای شناخت خدا، و مسکنهای
برکت خدا، و معدنهای حکمت خدا، و نگهبانان
راز خدا، و حاملان کتاب خدا، و جانشینان پیامبر
خدا، و فرزندان رسول خدا (درود خدا بر او و
خاندانش) ، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد

قَالَ رَآغِبٌ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَالْمُقَصِّرُ
فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَ
إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ
وَ إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ حِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَ فَصْلُ
الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ وَ آيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ وَ عَزَائِمُهُ فِيكُمْ
وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَ أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ مَنْ وَالَاكُمْ
فَقَدْ وَآلَى اللَّهُ وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَ مَنْ
أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ [وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ
اللَّهُ] وَ مَنْ اِعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ،...

پس روگردان از شما خارج از دین، و ملازمتان
ملحق شونده به شما، و کوتاهی کننده در حقّتان
قرین نابودی است، و حق همراه شما و در شما و
از شما و به سوی شماست، و شما اهل حق و
سرچشمه آن هستید، و میراث نبوّت نزد
شماست، و بازگشت خلق به سوی شما، و
حسابشان با شماست، و سخن جدا کننده حق از
باطل نزد شماست، آیات خدا پیش شما، و
تصمیمات قطعی اش در شما، و نور و برهانش نزد
شماست، و امر او متوجه شماست، آن که شما را
دوست داشت خدا را دوست داشته، و هر که شما
را دشمن داشت خدا را دشمن داشته، و هر که به
شما محبّت ورزید به خدا محبت ورزیده، و هر که
با شما کینه توزی نمود با خدا کینه ورزی نموده

است، و هر که به شما چنگ زد به خدا چنگ زده
است،....

تعبیرات قرآن کریم از امامت بشرح زیر است:

با امامت دین اسلام کامل شد

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ»⁽²⁾

امروز! دین شما را کامل و نعمت را بر شما تمام
نموده و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم.

علوم همه پیامبران در امام جمع است «وَكُلَّ شَيْءٍ
أَخْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ» (یس)

امامت راه مستقیم است «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

پیامبر فرمود: ای علی! تو صراط مستقیم هستی!

امامت هادی امت است . «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»

امامت اهل ايثار و بخشش به امت «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ
أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ
عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

1 . سورة بقره، آیه 124.

2 . سورة مائده، آیه 3.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ».(1)

آنانکه اموال خود را در روز و شب، آشکار و پنهان
انفاق می‌کنند، در پیشگاه خدا مأجور بوده و غم و
اندوهی بر آنان نیست .

ابن عباس گفته است: آیه فوق درباره علی
علیه‌السلام نازل شد . آن زمانی که آن حضرت
چهار درهم داشت . یک درهم را در روز و یکی را
در شب و یک درهم آشکارا و درهم چهارم را در
پنهانی صدقه داد .

عهد امامت، عهد الهی است . «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ
بِعَهْدِكُمْ»⁽²⁾

به عهد من وفا کنید تا به عهد شما وفا نمایم .

مفسرین گفته‌اند یعنی: به ولایت علی علیه‌السلام
وفا کنید تا منهم بهشت رفتن شما را وفا کنم.

امام پدر امت است: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»⁽³⁾

به پدر و مادر نیکی کنید .

پیامبر فرمود: برترین والدین و سزاوارترین
والدین، محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی
علیه السلام هستند .

امامت دستگیره الهی است : «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ
جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»⁽⁴⁾

به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید .

در تفسیر نور الثقلین آمده که مراد از ریسمان
الهی، علی علیه السلام است.

امامت نور الهی است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ
بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا»⁽⁵⁾

ای مردم! برهان الهی نزد شما آمد و ما بسوی
شما نور آشکاری را نازل کردیم.

آمده که مراد از برهان، پیامبر اسلام و مراد از نور،
علی⁷ است.

امامان راستگویان امت هستند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»⁽⁶⁾

ای مؤمنین! تقوا داشته و با صادقین باشید.

در تفاسیر از ابن عباس نقل شده که مراد از
صادقین، علی علیه السلام است.

1. سوره بقره، آیه 74.

2. سوره بقره، آیه 40.

3. سوره نساء، آیه 36.

4. سوره آل عمران، آیه 102.

5. سوره نساء، آیه 174.

6. سوره توبه، آیه 119.

امامت بالاترین درجه حضرت ابراهیم بود: «وَإِذِ
ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي
جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ
عَهْدِي الظَّالِمِينَ»⁽¹⁾

امام مفسر قرآن کریم است: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا
اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»⁽²⁾

امام پاک از آلودگیها است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ
عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»⁽³⁾

همانا خدا اراده کرده است که هر پلیدی را از شما
اهل بیت ببرد و شما را پاک کند.

امام و شیعیان بهترین مخلوقاتند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ».

امامت مزد نبوت است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا
إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» .

بگو من از شما پاداشی نمی‌خواهم جز محبت به
اهل بیتم .

امامت کلمات الهی است: «فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ
كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» .

آدم علیه‌السلام از خدا کلماتی را فرا گرفت . و با
آنها توبه کرد و توبه‌اش پذیرفته شد .

امام سرپرست مردم است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ
وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ
وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ».

همانا ولیّ شما در مرتبه اول خداست و بعد
رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و سوم آن کسی
است که اقامه نماز می کند و در حال رکوع زکات
می دهد.

امامان اتفاق کننده به امت: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى
حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا - إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ
اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» .

آنان در راه دوستی خدا به فقیر و یتیم و اسیر غذا
می دهند و می گویند ما فقط برای رضای خدا به
شما غذا می دهیم و از شما انتظار پاداشی نداریم .

امامت امانت بسیار سنگین در نزد امت است: «إِنَّا
عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ
فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ
كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»

امانت (عهد و تکلیف الهی) را بر آسمانها و زمین
و کوهها عرضه نمودیم، اما آنها امتناع کردند

1. سوره بقره، آیه 124.

2. سوره آل عمران، آیه 7.

3. سوره احزاب، آیه 33.

و ترسیدند ولی انسان قبول کرد و او بسیار ظالم و
جاهل است. (چون اگر به این عهد عمل نکند و

قدر این مقام عظیم را نداند، بخود ستم کرده و
جهنمی می‌شود.

امام اولی الامر و صاحب اختیار مسلمین است
همانگونه که در قرآن ذکر شده است: «أَطِيعُوا
اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

درباره آیه فوق جابر از پیامبر صلی الله علیه و آله
سؤال کرد که اولی الامر که ما باید از آنها اطاعت
کنیم کیانند؟ و حضرت فرمود: جانشینان من که
اول آنها علی علیه السلام و بعد حسن علیه السلام و
حسین علیه السلام سپس علی بن الحسین آنگاه
محمد باقر که تو او را می بینی پس سلام مرا
برسان ! سپس جعفر صادق و بعد از او موسی
کاظم و بعد از او علی الرضا و بعد از او محمد
جواد و بعد از او علی هادی و بعد از او حسن

عسگری و بعد از او قائم منتظر مهدی علیه السلام
هستند که بعد از من امام و پیشوا خواهند بود .⁽¹⁾

اگر پیرسند چرا در قرآن کریم اسامی
دوازده امام شیعیان نیامده است؟ جواب می دهیم
که اسامی این بزرگواران در قرآن کریم در
جاهای مختلف ذکر شده است منتهی باید کمی
دقت کرد. از جمله در سوره نور.

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا
مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ
دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا
غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ
عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ
الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ⁽²⁾ ﴿35﴾

جابر می گوید در مسجد کوفه دیدم علی ع با
سنگ چیزی بر زمین می نویسد و تبسم
می کند. علت را پرسیدم. فرمود تعجب می کنم از
کسانی که این آیه را می خوانند معنای آن را
نمی دانم. پرسیدم کدام آیه؟ حضرت آیه فوق را
تلاوت کردند و توضیح دادند که:

مشکات، پیامبر است. مصباح منم. دوتا زجاجة
، حسنین هستند. کوكب دری، امام سجاد
است. شجره مبارکه، امام باقر است. زيتونه، امام
صادق است. لاشرقيه، امام کاظم است. لاغريه، امام
رضا است. زيتها يضيي، امام جواد است. لم تمسسه
نار، امام هادی است. نور علی نور، امام عسگری
است. يهدی الله لنوره من يشاء، امام زمان مهدی
آل محمد است.⁽³⁾

1. اثبات الهدی، ج 3، ص 123.

2. نور

3. تفسیر جامع ذیل آیه 35

..امام زبان همه مردم را بلد است..

..امام از احوال شیعیان با خبر است.

..امام خواب سنگین ندارد

..امام غذای لذیذ نمی خورد..

..امام شبانه روز در حال مجاهدت است..

هیچ عملی بدون ولایت قبول نمی شود :
پیامبر اکرم (ص) فرمود: هنگامیکه به معراج
رفتم، خدا بمن وحی کرد که:

ای محمد! اگر بنده‌ای آنقدر عبادتم کند تا خسته
شود و بدنش مانند مشک پوسیده گردد ولی
در حالی از دنیا برود که منکر ولایت شما باشد، او را
در بهشتم جای نخواهم داد و در زیر عرشم سایه
نخواهم بخشید.

در روایات است که در هر عصری، اعمال مردم
آن زمان را به امام آن زمان عج عرضه می کنند
اگر حجت امضاء کرد قبول می شود.

..... امامان ما هیچکدام از مردم زمان
خودشان راضی نبودند. امیر مومنان علیه السلام از

مردم زمان خودش راضی نبود .امام حسن علیه السلام از مردم راضی نبود.امام حسین علیه السلام که بدست مردم زمان خودش کشته شد.هشت امام دیگر هم از مردم عصرشان راضی نبودند.....

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود :

مَثَلُكُمْ يَا عَلِيُّ مَثَلُ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ ، مَنْ دَخَلَهُ
كَانَ آمِنًا فَمَنْ أَحَبَّكُمْ وَوَالَاكُمْ كَانَ آمِنًا مِنْ عَذَابِ
النَّارِ ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ أُلْقِيَ فِي النَّارِ . يَا عَلِيُّ (. . .)
وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا .
(. .) وَمَنْ كَانَ لَهُ عَذْرٌ فَلَهُ عَذْرُهُ ، وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا
فَلَهُ عَذْرُهُ ، وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا فَلَهُ عَذْرُهُ ، إِنَّ اللَّهَ لَا
يَعْدُرُ غَنِيًّا وَلَا فَقِيرًا ، وَلَا مَرِيضًا وَلَا صَحِيحًا ، وَلَا

أَعْمَى وَلَا بَصِيرًا ، فِي تَفْرِيطِهِ فِي مُوالاتِكُمْ
وَمَحَبَّتِكُمْ

..ولایت پناهگاه الهی است:

از رسول خدا(ص)روایت شده که خدا فرمود:ولایه
علی بن ابیطالب حصنی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ
عَذَابِي.ولایت امیرالمؤمنین(ع)قلعه محکم من است
که هر که داخل این قلعه شود از عذابم ایمن شود.

شب اول قبر درباره امام سوال می کنند.

در قیامت یکی از سوالات مهمی که از هر انسانی
می شود درباره ولایت است:

ثمَّ لتسألنَّ يومئذٍ عن النعيم» یعنی در روز قیامت
از نعمت سؤال می‌شود.

در روایت است که مراد از نعمت، ولایت اهل
بیت است.

همچنین در تفسیر آیه {یسئلونک عن
النعیم} آمده که در قیامت یکی از سوالات مهمی
که از هر فردی می‌کنند درباره ولایت است که با
نعمت ولایت چه کردید؟

امیر المومنین علیه السلام در بیان این نعمت
می‌فرمایند.

نحن النعیم

ما نعمت هستیم.

و نیز امام صادق علیه السلام تصریح فرموده اند
که:

نحن اهل البيت النعيم الذى انعم الله بنا على
العباد...و هى النعمته التى لا تنقطع

ما اهل بیت علیه السلام آن نعمتی است که خدا به
سبب ما بندگان را نعمت داده است... و این نعمتی
است که منقطع نمی شود.

و سپس فرمودند:

... و الله سائلهم عن حق النعيم الذى انعم به عليهم
و هو النبى و عترته

....و خداوند از حق این نعمتی که به ایشان ارزانی
داشته - یعنی پیامبر و عترت ایشان علیه اسلام از
آنها سوال می کند.

تفسیر نور الثقلین / ج 5 / ص 663 / ح 15

اگر امام نباشد زمین آرامش نمی یابد و مردم نمی
توانند ادامه حیات دهند:

امام صادق علیه السلام وضعیت دنیا را بدون
وجود حجت چنین ترسیم می نمایند:

لو بقیة الارض بغير امام لساخت

اگر زمین بدون امام بماند فرو می ریزد.

کافی / کتاب الحجّه / باب الارض لا تخلو من حجّه /

ح 10

محبت:

دومین وظیفه نسبت به امامان علیهم

السلام،،محبت به آنان است.

قل لاسلکم اجرا الا الموده فی

القربی..(ایه 23شوری)....

شان نزول

درباره شأن نزول آیه شریفه، امام صادق(ع) می فرماید: «هنگامی که رسول خدا(ص) از حجة الوداع به مدینه باز می گشت، مردم شهر مدینه به حضور ایشان شرفیاب شدند و عرض کردند: ای رسول خدا! هجرت شما به مدینه منوره شرف و فضیلتی عظیم بود که خداوند بزرگ به ما ارزانی داشت، خداوند دوستان ما را با حضور شما در مدینه خشنود ساخت و دشمنان ما را ذلیل و خوار گردانید. ای پیامبر! برای ما سخت است گروه هایی برای رفع مشکلات خود نزد شما می آیند و شما مالی ندارید تا به آنان بپردازید و چه بسا دشمن، ما را شتمات و سرزنش می کند. ما دوست داریم یک سوم دارایی خود را در اختیار شما قرار دهیم تا هر گاه هیئتی به مدینه آمد شما چیزی داشته باشید تا به آنان بدهید .

پیامبر(ص) پاسخی به آنان نداد و منتظر شد تا از سوی پروردگار فرمانی در این باره صادر شود و آیه ای نازل گردد .

جبرئیل(ع) نازل شد و گفت: ای پیامبر! بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالت و پیامبری ام درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم .»

امام صادق(ع) در پایان این روایت فرمودند: «منافقان با شنیدن این آیه شریفه بر آشفتند و گفتند: خدا این آیه را نازل نکرد مگر آنکه پسر عموی پیامبر علی(ع) را تقویت نماید و اهل بیت او را به ما تحمیل کند. پیامبر دیروز گفت: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ؛ آن کس که من پیشوای اویم بعد از من علی پیشوای اوست». امروز هم می گوید: «... لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» 3.

آری منافقان کوردل همیشه درصدد گمراه کردن مسلمانان بوده اند و دوست نداشتند مسلمانان در راه مستقیم هدایت باشند، چرا که مودّت اهل بیت؛ هدایت را به دنبال دارد .

3. تفسیر نور الثقلین، ج4، ص573

..امام صادق فرمود بزرگترین عبادت محبت ما

اهل بییت است....

..محبت به علی(ع)، سوزاننده گناهان

حضرت محمد(ص) فرموده است: «محبت حضرت
علی بن ابی طالب(ع)، گناهان را می سوزاند، همان
گونه که آتش، هیزم را می سوزاند».¹
1. بحارج 39، ص 266....

محبت اهل بیت(ع)، کفاره گناهان

امام رضا(ع) می فرماید: «محبت ما اهل بیت،
کفاره گناهان است و حسنات را چند برابر می
کند».¹

1. بحار، ج 68، ص 100....

....رسول خدا به اباذر فرمود: یا اباذر، ابد الله
کانک تراه فان كنت لا تراه فانه يراك و اعلم ان

اول عبادۀ الله المعرفة به...» ثم حب اهل بيتی،
الذين اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا.و
اعلم يا اباذر، ان الله عز و جل جعل اهل بيتی فی
امتی کسفینه نوح من ركبها نجا و من رغب عنها
غرق و مثل باب حطه فی بنی اسرائیل من دخلها
كان آمنا...»

.من مات علی حب ال محمد مات شهيدا.الا و من
مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنه
ثم منکر و نکیر:(مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر
نمونه، ج 20، ص 413..).....

پیامبر(ص)در حدیث دیگری به طور خلاصه
می فرماید:«محبت اتم نسبت به من و اهل بیتم،
در هفت موضع بسیار مهم برای آن با مفید
است.این مواضع هفتگانه عبارتند از:هنگام وفات،

داخل قبر، هنگام برانگیخته شدن از قبر، نزد
کتاب و هنگام حسابرسی به اعمال و نزد میزان در
پل صراط. (تفسیر نمونه ج 20 صص 414.....)

.....پیامبر: ای علی یا بیغضک اللامنافق و ولد
لزنای.....

زلیخا بعد از عزیز مصر پیر و شکسته شده و از
شدت فقر و گرسنگی سراغ یوسف می آید و
یوسف دستور کمک به او می دهد و بعد هم با او
ازدواج می کند. علت این ازدواج را شیخ حرعاملی
در «علل الشرایع» و علامه مجلسی در «بحار الانوار»
این طور روایت کرده اند که زلیخا وقتی پیش
یوسف آمد، خواند که «منزه است خدایی که
پادشاهان را به خاطر گناهانشان ذلیل می کند و
بردگان را به خاطر اطاعتشان پادشاه می سازد»

یوسف فهمید که او به راه راست درآمده. از او پرسید که: تو چرا این قدر مرا دوست داری؟ زلیخا گفت: به خاطر زیبایی رویت. یوسف گفت: در آخرالزمان پیامبری می‌آید که از من زیباتر و نیکو خلق تر است. زلیخا گفت: راست می‌گویی چون اسم این پیامبر را که گفتی در قلبم محبتی احساس کردم. خداوند هم به خاطر دوستی پیامبر به یوسف دستور داد با زلیخا ازدواج کند.....

۱. امام امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

«إنا لنفرح لفرحکم ونحزن لحزنکم...» (بصائر

الدّرجات، ص ۲۶۰).

ما، در شادمانی شما، شاد، و در اندوه شما،

اندوهگین می‌شویم....

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«والله! لأنا ارحم بكم منكم بأنفسكم...» (بحار

الانوار، ج ٤٧، ص ٧٨).

به خدا سوگند! که من، نسبت به شما، از خود شما،
مهربان ترم.

امام رضا (علیه السلام) نیز می فرماید:

«ما من احد من شيعتنا يمرض الا مرضنا لمرضه،

ولا اغتمّ الا اغتمنا لغمّه، ولا يفرح الا فرحنا

لفرحه...» (بحار الانوار، ج ٦٨، ص ١٦٨)

هیچ یک از شیعیان ما، مریض نمی شود، مگر این
که ما نیز در بیماری آنان بیمار می شویم و محزون
نمی شوند، مگر این که ما نیز در غم آنان محزون
می شویم و شادمان نمی گردند، مگر این که ما نیز

به خاطر شادی آنان شادمانیم. و هیچ یک از آنان،
در مشرق و مغرب زمین، از نظر ما، دور نیستند
و هر یک از شیعیان ما که بدهی از او بماند (و
نتوانسته باشد بپردازد) بر عهده ما است.....
ابو ربیع شامی نیز به امام صادق (علیه السلام)
عرض می کند: از عمرو بن اسحاق حدیثی به من
رسیده.

حضرت فرمود: آن را بیان کن.

گفتم: «وی بر امیر المؤمنین علی (علیه السلام)
داخل شد، پس آن حضرت آثار زردی بر
صورتش دید، فرمود: این زردی چیست؟ پس
بیماری خود را توضیح داد.

آن حضرت به او فرمود: ما خوشحال می شویم به
خوشحالی شما و اندوهگین می شویم به حزن شما

و بیمار می شویم به بیماری شما و دعا می کنیم
برای شما و شما که دعا می کنید ما آمین می
گوییم» (بصائر الدّرجات، ص ۲۶۰).....

..یکی از یاران واصحاب خاص امام رضا (علیه
السلام) به آن حضرت عرض می کند: برای من
و خانواده ام دعا کنید.

حضرت می فرمایند: او لست افعّل؟؛ آیا چنین
نمی کنم (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹)؟!.

....سید بن طاووس (رحمه الله) می فرماید:

سحر گاهی در سرداب مقدّس بودم، ناگاه صدای
مولایم را شنیدم که برای شیعیان خود چنین دعا
می کردند:

«اللهم انّ شيعتنا خلقت من شعاع انوارنا وبقية طينتنا وقد فعلوا ذنوبا كثيرة اتكالا على حبنا وولايتنا، فان كانت ذنوبهم بينك وبينهم فاصفح عنهم فقد رضينا وما كان منها فيما بينهم فاصلح بينهم وقاص بها عن خمسنا! وادخلهم الجنة! وزحهم عن النار ولا تجمع بينهم وبين اعدائنا في سخطك»؛

خدایا! شیعیان ما را از شعاع نور ما وبقیه طینت ما خلق کرده ای؛ آنها گناهان زیادی با اتکای بر محبت به ما وولایت ما انجام داده اند؛ اگر گناهان آنها گناهی است که در ارتباط با توست، از آنها بگذر که ما راضی هستیم. وآنچه از گناهان آنها در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آنها را اصلاح کن واز خمسی که حق ماست به آنها بده تا

راضی شوند و آنها را از آتش جهنم نجات بده
و آنها را با دشمنان ما در سخط خود جمع
مفرما (نجم الثاقب، ص ۴۵۵).....

،،دشمنی با اهل بیت پیامبر

..اما با رحلت پیامبر اسلام،،دشمنی با اهل بیت
پیامبر شروع شد.ابتدا نگذاشتند امیرالمونین
حکومت کند و حضرت را بیست و پنج سال خانه
نشین کردند. بعد فدک رو از حضرت فاطمه زهرا
غصب کردند تا اهل بیت پول نداشته باشند و
مردم از دور ایشان کنار برود و همینگونه هم شد
و مردم اهل بیت را رها کردند جز افراد کمی.که
در دعای ندبه اشاره شده است لَمْ یُمَثِّلْ أَمْرُ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ
الْهَادِينَ وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى

قَطِيعَهُ رَحِمِهِ وَ إِقْصَاءِ وَلَدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى
لرعايه الحق فيهم....سپس عده ای از اهل بیت را
شهید کردند. عده ای را اسیر نمودند و عده ای را
تبعید کردند. فقتل من قتل. سبی من سبی و اقصى
من اقصى. و این در دوران حکومت بنی امیه و بنی
عباس ادامه داشت...

کشتن شصت نفر از سادات در یکشب

در کتاب عیون اخبارالرضا (ع) مرویست که
عبدالله بزاز نیشابوری گفت: بین من و حمیدبن
قحطبه معامله ای بود. وقتی از مسافرت مراجعت
نموده بودم مرا احضار کرد. با لباس مسافرتم به
ملاقاتش رفتم؛ وقت ظهر ماه مبارک رمضان بود
بر او وارد شدم؛ طشت و ابریق آوردند و دو دست
خود را شست و به من هم امر نمود که دست خود

را بشویم و من هم شستم و فراموش کردم که ماه
رمضان است و روزه هستم چون طعام حاضر
کردند متذکر شدم و عقب نشستم. حمید گفت:
چرا نهار نمی خوری؟ گفتم ای امیر ماه مبارک
است و من مریض نیستم و عذر دیگری برای
افطار ندارم و شاید امیر عذری دارد. پس گریه
کرد و گفت: من هم عذری ندارم و مریض نیستم؛
آن گاه اشکش جاری شد. پس از فراغت از طعام
سبب گریه اش را از او پرسیدم؟ گفت: در زمانی
که هارون الرشید در طوس بود شبی دنبال من
فرستاد، وقتی که بر او وارد شدم، دیدم در نزد او
شمعی روشن و شمشیری سبز رنگ و برهنه جلو
اوست.. چون مرا دید پرسید: اطاعت تو از
امیرالمومنین چگونه است؟ گفتم با جان و مال؛
پس مرا مرخص نمود. طولی نکشید مرا احضار

نمود و همان سوال را تکرار نمود، گفتم با جان و مال و اهل و اولاد؛ پس مرا مرخص نمود. برای سومین مرتبه احضارم کرد و همان سوال را تکرار کرد، گفتم با جان و مال و اولاد و دین. پس خندید و گفت: این شمشیر را بردار و هر کس را که این خادم به تو نشان داد باید بکشی! شمشیر را برداشته همراه خادم بیرون شدم، مرا به خانه ای که درب آن قفل بود آورد. پس از بازکردن قفل وارد شدیم دیدم وسط آن چاهی است، و در آن خانه سه حجره است و هر سه مقفل است. پس یکی را باز نمود دیدم، بیست نفر پیر و جوان همه از اولاد علی و زهرا در زنجیرند! خادم گفت: باید اینها را گردن بزنی. او یکی یکی جلو می آورد و من گردن می زدم و بدن سر آنها را در چاه می انداختم تا بیست نفر کشته شدند. آن گاه

در حجره دوم را باز نمود و در آن هم بیست نفر
علوی در زنجیر بودند همه را به اشاره خادم
رشید کشتم و در چاه انداختن، سپس در حجره
سوم را باز نمود و در آن هم بیست نفر علوی بود
مانند آن دو دسته همه را کشتم، نفر آخری
پیرمردی بود. بمن فرمود: وای بر تو، فردای
قیامت چه عذری داری وقتی که تو را حضور جد
ما رسول خدا (ص) حاضر کنند و حال آنکه تو
شصت نفر از اولاد او را بدون گناهی کشته ای؟
پس بدنم لرزید؛ خادم از روی غضب نظری بمن
نمود و مرا ترسانید! آن پیرمرد را هم کشتم و در
آن چاه افکندم. پس کسی که شصت نفر از اولاد
رسول خدا (ص) را کشته باشد روزه و نماز او را
چه نفعی است؟ من یقین دارم که مخلد در آتش
هستم و لذا ماه رمضان را روزه نمی گیرم.

...اینکه در ایران اینهمه مزار امامزاده است چون
از دست ظالمین فرار کردند و به مردم ایران پناه
می آوردند.....

اینهمه در حق اهل بیت ظلم کردند تا نور آنان را
خاموش کنند ولی نتوانستند..

..از جمله برنامه دشمن برای خاموش کردن نور
اهل بیت ،،**تخریب قبور منور آنان در بقیع بدست**
وهابیت این فرقه درست شده توسط استعمار گر
پیر انگلیس است.انها خیال کردند با تخریب قبور
اهل بیت در بقیع و جاهای دیگر،مردم دست از
اهل بیت برمی دارند و یاد آنها فراموش میشوداما
غافل از این بودند که جاء الحق و زهق الباطل ان
الباطل کان زهوقا....خمیرمایه شیعه با محبت اهل

بیت ریخته شده. خلقوا شیعتنا من فاضل
طینتنا..در ایران نام فرزندان‌شان نامهای اهل بیت
است....ملت ایران عاشق اهل بیت هستند و هستی
خود را برای اهل بیت
میدهند.....

.....3- اطاعت: سومین وظیفه نسبت به امامان

علیهم السلام، اطاعت از ایشان است.

در قرآن کریم اطاعت از امامان معصوم را در ردیف اطاعت از خدا و رسول قرار داده و آن را واجب دانسته است

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا اطاعت کنید و از رسول خدا، و صاحبان امر (اولوالامر) خودتان اطاعت کنید. و اگر در چیزی اختلاف داشتید آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. صلاح شما در این است و «سرانجامی بهتر دارد.»¹

در این آیه، اطاعت از سه کس بر مؤمنان واجب شده است:

خدای متعال: بدین جهت که آفریننده
انسان‌هاست و انواع نعمت‌ها را در اختیارشان
قرار داده و سپاس‌گزاری از نعمت دهنده امری
است عقلانی.

یکی از مهم‌ترین نعمت‌ها ارسال پیامبران و
رهنمودهای الهی است.

مقتضای لطف خداوندی این است که به منظور
تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها دستورهای
و برنامه‌های لازم را تنظیم کرده و به وسیله
پیامبران برگزیده‌اش برای آن‌ها فرستاده است تا
مردم را در پیمودن صراط مستقیم انسانیت و
قرب الهی رهنمون باشند و از کژی‌ها و آفت‌ها بر
حذر دارند. پس اطاعت از پیامبران و عمل به
فرمان‌های الهی به صلاح خود بندگان می‌باشد و
وجوب آن یک امر عقلانی است.

پیامبر: دومین کس که در آیه مذکور اطاعت از او واجب دانسته شده پیامبر است. پیامبر علاوه بر پیام‌هایی که به وسیله وحی از جانب خدا دریافت می‌کرد و به مردم ابلاغ می‌نمود در دو مورد دیگر از جانب خدای متعال مجاز بود احکامی را وضع کند: مورد اول حق داشت در محدوده کلیاتی که از راه وحی دریافت می‌کرد، در ابواب مختلف فقه احکامی را وضع کند و در اختیار مؤمنین قرار دهد. مورد دوم با توجه به این که پیامبر اکرم حاکم و زمامدار مسلمانان بود و باید امور اجتماعی، سیاسی مردم را اداره کند حق داشت در مواردی که حکم خاصی از جانب خدا صادر نشده بود، با رعایت مصالح امت، و در محدوده ضوابط کلی که در اختیار داشت، احکام و قوانینی را وضع کند و به اجرا گذارد که اصطلاحاً «احکام حکومتی»

نامیده می‌شوند.

به مقتضای آیه، اطاعت از پیامبر در این مورد نیز واجب است پس برای معصوم بودن پیامبر می‌توان به آیه مذکور استدلال کرد، چون اگر معصوم نبود وجوب اطاعت مطلق از او توجیه نداشت.

اولوالامر: گرچه اولوالامر در ظاهر شامل همه فرمان‌روایان و حاکمان می‌شود، اما با توجه به این که اطاعت از آن‌ها به طور مطلق واجب شده باید مراد تنها حاکمان معصوم باشد. چون اطاعت مطلق از غیر معصوم توجیه شرعی و عقلی ندارد. بنابراین، باید گفت: مراد از اولوالامر جانشینان پیامبر و امامان معصوم هستند که بعد از پیامبر زمامداری و حاکمیت امت را بر عهده می‌گیرند و کشور اسلامی را اداره می‌کنند. در برخی احادیث

نیز اولوالامر به معصومین از اهل بیت تفسیر شده
است.

حسین بن ابی العلاء گفت: خدمت امام صادق علیه
السلام عرض کردم: آیا اطاعت از اوصیای رسول
الله واجب است؟

فرمود: بله، آنان کسانی هستند که خدای عزوجل
:درباره آنان فرمود

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ، و «
آنان کسانی هستند که درباره آنان فرمود: «إِنَّمَا
وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ
«الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ».» 2

بنابر این امامان معصوم، حاملان علوم نبوت بودند
و در ترویج و نشر آنها کوشش می کردند. به

علاوه از جانب پیامبر مجاز بودند که در موارد
عدم وجود نص، بر طبق ضوابط کلی که از پیامبر
به آنان رسیده بود و با رعایت مصالح و مقتضیات
زمان و مکان قوانین لازم را وضع کنند و به اجرا
گذارند که اصطلاحاً «احکام حکومتی» نامیده
می‌شود.

نساء، آیه 59: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ
وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي
شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا».

اصول کافی، ج 1، ص 189. (2).

من ركبها نجى و من ترك غرق....

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مَثَل اهل بیت
من، مثل کشتی نوح است که هر کس
سوارش شد نجات یافت و هر کس که از آن
باز ماند غرق گشت.

من كنت مولاه فهذا على مولاه...

امام صادق به هارون مکی گفت وارد تنور شو
فوری وارد شد....

در روایات آمده است فردی از خراسان نزد امام
صادق(ع) آمد و او را به جنگ برای باز پس گیری
خلافت دعوت کرد. اما امام به خراسانی دستور
داد وارد تنور پر از آتش شود و او از این عمل

خودداری کرد، در همین حال هارون مکی وارد شد و امام همان دستور را به او داد و او انجام داده و وارد تنور داغ شد، اما در نهایت هیچ آسیبی به او نرسید.

دستورهایی مانند آنچه در پرسش آمده و یا آنچه قرآن از دستور طالوت مبنی بر خودداری از نوشیدن آب با وجود تشنگی مفرط نقل می‌کند، عمومیت ندارند و تنها در برخی مواقع خاص صادر شده است. بیان این دستور از طرف امام(ع) تنها به جهت بیان یک حقیقت بر خراسانی بود، امام با این دستور خاص قصد داشت علت جهاد نکردن خود را بیان کند و می‌دانست مفسده‌ای بر این امر وجود ندارد. همچنین هارون مکی که این دستور را انجام داد و وارد تنور شد نیز خلاف عقل عمل نکرده است، بلکه عمل او مطابق با عقل واقعی

بوده است؛ زیرا او به امام و علم الهی و عصمتش
اطمینان داشته؛ لذا یقین به خیر بودن این امر
کرده و می دانست دستور امام(ع) بدون حکمت و
مصلحت نیست.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ
الصَّادِقِينَ..(توبه 119)

ای اهل ایمان، خداترس باشید و با مردان راستگوی با ایمان
پیوندید.

مراد از صادقین، امامان علیهم السلام می باشند.
..امام باقر(ع) می فرماید: بنی الاسلام علی خمس
اشیاء: علی الصلاه و الزکاه ، والحج و الصوم ،
والولایه....

امام باقر علیه السّلام فرمود: اسلام روی پنج پایه
نهاده شده: نماز و زکاه و روزه و حج و ولایت و
چنان که برای ولایت (در روز غدیر خم یا در عالم

میثاق) فریاد زده شد، برای هیچ چیزی دیگر
فریاد زده نشد⁶.

..تا امام زمان امضا نکند اعمال ما قبول نمیشود...

..امام رضا(ع) می فرماید: من کان منا و لم یطع الله

فلیس منا؛ هر کس خودش را با ما بداند و خدا را

اطاعت نکند از ما نیست. (سفینه البحار، ج 2، ص

89.....یساللون عن النعیم. در قیامت درباره اهل

بیت سوال خواهد شد..

امام رضا شصت روز اجازه دیدار نداد.....

امام حسن عسکری(علیه السلام) فرمود: وقتی

مأمون، حضرت رضا(علیه السلام) را ولیعهد خود

قرار داد، دربان آن حضرت آمد و عرض کرد:
جمعیتی دم در ایستاده اجازه می خواهند حضور
شما مشرف شوند و می گویند: ما از شیعیان
علی(علیه السلام) هستیم! حضرت رضا(علیه
السلام) فرمود: «من کار دارم آنها را برگردان»،
دربان آنها را برگرداند، روز بعد آمدند و همچون
روز گذشته خود را معرفی کردند باز دربان آنها
را برگرداند روز سوم و چهارم تا دو ماه هر روز
می آمدند ولی اجازه ملاقات نمی یافتند بعد از دو
ماه به دربان گفتند: به آقای ما بگو: ما شیعیان پدر
شما حضرت علی بن ابی طالب(علیه السلام)
هستیم اما چون شما به ما اجازه ملاقات ندادید،
مورد شماتت دشمنان قرار گرفتیم. ما بر می
گردیم ولی از شدت شرمندگی و خجلت از شهر
و وطن خود آواره می شویم؛ زیرا دیگر نمی

توانیم شمات و سرزنش دشمنان را تحمل کنیم!
حضرت رضا(علیه السلام) به دربان فرمود: «به
آنها اجازه ورود ده»، آنها وارد شدند و به آن
حضرت سلام کردند ولی حضرت نه جواب سلام
فرمود و نه اجازه نشستن داد و آنان همچنان
ایستاده بودند و عرض کردند: بعد از این همه
سختگیری در دادن اجازه ملاقات، دلیل این
برخورد خشن و تحقیرآمیز چیست؟! دیگر چه
چیزی برای ما باقی مانده است؟! آن حضرت
فرمود: «این آیه را بخوانید: "و آنچه از رنج و
مصائب به شما می رسد همه از دست اعمال زشت
خود شماست در صورتی که خدا بسیاری از اعمال
بد را عفو می کند"، [5] من درباره شما از
پروردگارم پیروی کردم و همچنین به رسول خدا
و امیر المؤمنین و پدران پاکم(علیهم السلام) اقتدا

نمودم آنها شما را عتاب نمودند من هم پیروی
کردم.»

گفتند: ای پسر رسول خدا! چرا؟

امام(علیه السلام) فرمود: «زیرا شما ادعا کردید که

شیعه امیر المؤمنین علی بن ابی طالب(علیه

السلام) هستید. وای بر شما، شیعه امیر

المؤمنین(علیه السلام) افرادی مانند حسن(علیه

السلام)، حسین(علیه السلام)، ابوذر، سلمان، مقداد،

عمار و محمد بن ابی بکر هستند که هیچ یک از

دستورات خدا را مخالفت نکرده و همچنین هیچ

کدام از محرمات او را انجام ندادند، شما هم می

گوئید ما از شیعیان آن حضرت هستیم در حالی

که در بیشتر اعمال مخالف اوئید و در بسیاری از

واجبات کوتاهی می کنید، حقوق برادران دینی را

سبک و کوچک می شمارید، و جایی که مورد تقیّه

نیست تقیّه می کنید ولی در مواردی که چاره ای
جز تقیّه نیست این وظیفه بزرگ را انجام نمی
دهید اگر بجای ادعای تشیع می گفتید، شما از
وابستگان و دوستان آن حضرت هستید، دوستان
او را دوست و دشمنانش را دشمن می دارید من
ادّعی شما را تکذیب نمی کردم و می پذیرفتم
ولی شما مقام بلندی را ادعا کردید که اگر
کردارتان این گفته شما را تصدیق نکند هلاک و
نابود شدید مگر این که خداوند با رحمت خویش
جبران فرماید.»

گفتند: ای پسر پیامبر! ما از خدا طلب آمرزش می
کنیم و از این گفته بیجا به سوی خدا توبه می
کنیم و همچنان که مولای مان ما را آموخت می
گوئیم ما دوستان شما و دوستان دوستان شما و
دشمن دشمنان شمائیم.

حضرت رضا(علیه السلام) فرمود: «خوش آمدید ای برادران و ای دوستان من، بالاتر بیائید، بالا بیائید، بالا بیائید، آنقدر آنها را بالا برد تا به خود چسباند» سپس به دربان خویش فرمود: «چند بار اینها را از در خانه بازگرداندی؟» گفت: شصت بار، امام(علیه السلام) فرمود: «پس شصت بار پشت سر هم به خانه آنها برو به آنها سلام کن و سلام مرا نیز برسان؛ زیرا اینها چون امروز توبه کردند گناهانشان آمرزیده شد و چون دوست و وابسته به ما هستند سزاوار و شایسته احترام اند، بنابراین به ملاقات آنها برو و وضع زندگی آنها و خانواده شان را بررسی کن، خرج زندگی و خیرات و مبرات به آنها برسان، و ناراحتی ها و مشکلات آنها را برطرف کن».⁷

⁷ علوی، محمد بن علی بن الحسین، المناقب(الکتاب العتیق)، ص 174 - 175، قم،

...اگر همه تابع اهل بیت بودیم وضع عروسی های
ما این چنین نبود.وضع اعتیاد در کشور این چنین
نبود.وضع محرومان و نیازمندان این گونه
نبود.وضع ورزش ما و سینمای ما و مراسمات ما
و مسائل حجاب و عفاف ما اینگونه نبود.وضع نماز
و نماز جمعه ما بسیار بهتر از این وضع بود.وضع
دعاهای ندبه ما،وضع مساجد ما باید بسیار بهتر از
این بود.

در سخنان اهل بیت علیهم السلام است که محبت
به ما کافی نیست و باید پیرو ما باشید.باید همانند
اهل بیت علیهم السلام در تقوا و ورع و اخلاق
حسنه باشیم.

چقدر در کشور در دادگستری پرونده
است؟ چقدر شکایت داریم که فلانی کلاهبرداری
کرده. فلانی قاچاقچی مواد مخدر است. فلان
شخص رابطه نامشروع داشته. فلان جوان صلیب
به گردن می اندازد و اهل نماز نیست. در حالی که
همه اینها خود را شیعه می دانند.

مگر اهل بیت علیهم السلام نفرموده اند زینت ما
باشیدنه باعث ننگ و عار ما؟ وقتی شیعه ای
کارهای خوب می کند و دیگران می گویند این
شیعه است اهل بیت ع خوشحال می شوند اما
وقتی شیعه ای کار زشتی می کنند باعث ناراحتی
اهل بیت علیهم السلام می شود.

